



ویژه نامه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
شماره نهم، ۲۰ دی ۱۳۹۸
AmmarFilm.ir

فیلم ساختن، کاری ندارد

سعید مستغاثی در نشست تخصصی «سینمای ایران و مسئله تنوع ژانر»

صفحه ۱

یک پر تره «امیدبخش»

گفت‌وگو با محمد ثقفی، کارگردان مستند «خودکار»

صفحه ۲

«اوباما» بدون روتوش

مهدی انصاری از «آقای تغییر» می‌گوید

صفحه ۲

گلایه حاج قاسم از مستندسازان

جبهه مقاومت

صفحه ۳

اسقف گرجستانی به دنبال

«ذبیح شط فرات»

صفحه ۳



مچ انداختن با مفاسد، هزینه دارد

محسن اسلام زاده، کارگردان مستند «خصوصی سوزی» می‌گوید پرچم عدالت خواهی باید در دست بچه‌های حزب اللهی باشد که باید در مقابل مفاسد اقتصادی و بقه سفیدها بایستند.

صفحه ۲

سعید مستغاثی در نشست تخصصی «سینمای ایران و مسئله تنوع ژانر»

فیلم ساختن، کاری ندارد

رنج آور می‌رسد.

وی تصریح کرد: چیزی که امروز تازگی دارد و بچه‌های ایران بوده است. در واقع، ابتدال عشق‌های ضربدري و کم‌دی‌های مبتذل امروز از همان پاپ‌های یزی شد. این منتقد سینما در ادامه سخنانش به وضعیت سینما در دهه چهارم اشاره کرد و توضیح داد: در نهایت، وقتی به دهه چهارم می‌رسیم، می‌بینیم که یک ژانر فیک دیگر به نام ژانر اجتماعی ایجاد شده است. هر کسی که یک فیلمی می‌ساخت و در آن چند خرابه، دختر فراری و معنادنشان می‌داد، می‌گفت من فیلم اجتماعی ساختم. اصلاً چیزی به نام ژانر اجتماعی نداریم. ژانر باید تعریف داشته باشد. یک زمان فیلم‌های هنری ساخته می‌شد و هر کسی، یک چیزی می‌ساخت که دیگری، چیزی از آن نمی‌فهمید و می‌گفت که فیلم هنری ساختم.

این منتقد سینما ادامه داد: ژانر اجتماعی در هیچ‌جای دنیا وجود ندارد. باید این سوال را پرسید که سینمای

این نویسنده و منتقد سینما افزود: باید تاریخ بخوانیم، باید فرمایشات امام خمینی (ره) و رهبری را بخوانیم. این توصیه را به بچه‌های جشنواره عمار که این روزها فانوسی در دل تاریک سینمای کشور هستند، می‌کنم. فیلم ساختن کاری ندارد و با چند کتاب و کلاس می‌توان یاد گرفت اما اصل آن بصیرت است. تاریخ چهل سال اخیر و قبل از آن را بخوانید تا بفهمید که چه کلک‌هایی به ما زدند. مگر حضرت امیر نفروموند که تاریخ بخوانید تا عبرت بگیرید؟ فیلمی که امسال، جایزه اصلی «گلان گلوب» را گرفت، در مورد جنگ جهانی اول است که از پایان آن ۱۰۰ سال گذشته است اما هنوز فیلم‌هایش جایزه می‌گیرد. حال در نقطه مقابل ۳۰ سال از دفاع مقدس گذشته است و عده‌ای می‌گویند بس است دیگر. ما سال گذشته، چند فیلم دفاع مقدسی داشتیم. حال ببینید که چند فیلم راجع به خیانت و مهاجرت ساخته شده است؟ در رسانه ملی یک سریال نشان بدهید که خانواده آن تراز مکتب انقلاب باشد. اینکه ترامپ می‌گوید به مراکز فرهنگی شما حمله می‌کنیم، از روی دیوانگی‌اش نیست. آنها سال‌ها است که فرهنگ ما را نشان رفته‌اند. مسئله اصلی همین است.

مستغاثی در پایان سخنانش تأکید کرد: فیلم «یک خانواده محترم» را ببینید که توسط یک مرکز انقلابی بداندیش دارد، سینمای ما اصلاً سیاه نیست. کافی است به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری بروید و گزارش‌های آنان درباره جشنواره فجر ۹۶ و ۹۷ را مطالعه کنید. ببینید که چه چیزی راجع به فیلم‌ها گفته است؛ در مورد خانواده، ایران و... فیلم‌ها را فاجعه نامیده است. به گزارش‌های بی‌بی‌سی، رادیو فرانسه و... از فیلم‌های ایرانی مراجعه کنید. برداشت رادیو فرانسه از فیلم‌های ایرانی «سینمای ماز و خستگی» است. سینمایی که ملودرام و اجتماعی‌اش به فجایای خانوادگی می‌انجامد و کم‌دی آن به مسائلی بسیار

گزارش

سعید مستغاثی، نویسنده و منتقد سینما، در روز پایانی اکران‌های مرکزی دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در سینما فلسطین، در نشست تخصصی «سینمای ایران و مسئله تنوع ژانر» به سینمای حمایتی و کاملاً دولتی ایران در دهه اول انقلاب اشاره کرد و گفت: در دو سه سال اول، تحت تأثیر انقلاب و فضای آن، فیلم‌های انقلابی زیادی داشتیم. سپس به جنگ تحمیلی رسیدیم و فیلم‌های جنگی ساخته شد که البته بسیاری از آنان، کپی از فیلم‌های خارجی بود. آرام آرام وارد سینمای دفاع مقدس شدیم که ژانر اصلی برای سینمای ما بود.

وی با بیان این که از سال ۱۳۶۳ به بعد فیلم‌های ملودرام و کم‌دی نیز بیرون آمد، اظهار داشت: البته طنز آن زمان، طنز سالم بود. کم‌کم فیلم‌های خاص نیز شکل گرفت و شاهد شکل‌گیری یک‌سری ژانرهای من درآوردی بودیم، برای مثال در سال ۱۳۶۶ که



موضوعات و مسائل سهراب سپهری، خیلی گُل کرده بود، فیلم‌هایی ساخته شد که شبه‌عرفانی بود. در این فیلم‌ها سه‌تار یا اتاری وجود داشت، از جمله فیلم‌های نو که در دهه سوم انقلاب مطرح شد، یک ژانر به‌شدت من درآوردی به نام معناگرا بود. فیلم‌های بسیار انتزاعی و بدون مفهوم ساخته شد که در ادامه، به بن‌بست رسید. مستغاثی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به وضعیت سینمای ایران در دهه دوم انقلاب اشاره کرد و بیان کرد: وقتی به دهه دوم انقلاب رسیدیم با توجه به این که وضعیت سینمای دولتی فرق کرد و اعلام کردند که دیگر حمایتی نداریم، باید خود کفا بشویم، به سینما قدرت عمل بیشتری داده شد و گفتند که خودتان باید پول دربیورید. از اینجا به بعد بود که فیلم‌ها وارد فضای دیگری شد و فیلمفارس‌ها آرام آرام متولد شدند. برای مثال در سال ۱۳۷۳ شاهد ساخت کم‌دی‌های مبتذل و عشق‌های ضربدري بودیم. خصوصاً از سال ۱۳۷۶ و با روی کار آمدن دولت اصلاحات هم این روند تسریع شد. سال ۱۳۷۸ وقتی آقای مجیدی که دبیر جشن خانه سینما بود گفت که صدای پای ابتدال می‌رسد و بعداً

گزارش تصویری

روز پایانی اکران‌های مرکزی

دهمین جشنواره عمار؛ سینما فلسطین تهران



امیر حسین نوروزی، کارگردان مستند «خاطرات موتور سیکلت»



نشست خبری مستند «خصوصی سوزی»



حضور افسران و خانواده‌های ارتش در اکران مستند «منفی ۳۸ درجه»



حضور مسئولان سازمان سینمایی



لای سینما فلسطین

محسن اسلامزاده سراغ «خصوصی‌سوزی» رفته است

مچ انداختن با مفاسد، هزینه دارد

محسن اسلام‌زاده کارگردان با تجربه جبهه هنری انقلاب این بار به سراغ سوزهای ملتهب رفته است؛ سوز‌های به نام خصوصی‌سازی، مسئله‌ای که سودجویان بسیاری دندان طمع برای آن تیز کرده‌اند تا از باگ‌های قانونی این مسئله، نهایت بهره را ببرند. او در مستند «خصوصی‌سوزی» تلاش دارد تا با بررسی واگذاری شرکت ماشین سازی تبریز به بخش خصوصی، روند سقوط حرکت پیشرفت این شرکت و مشکلاتی را که خصوصی‌سازی غلط بر سر اقتصاد کشور آورده، به تصویر بکشد. با اسلام‌زاده درباره این کار، گفت‌وگویی داشتیم که می‌خوانید.

چرا خصوصی‌سازی و چرا ماشین‌سازی تبریز؟

در چند سال اخیر پیشنهادهای زیادی در رابطه با بررسی مفاسد اقتصادی به من شده بود و از آن جهت که فکر می‌کردم تنها خروجی این آثار به یک جنگال منتهی خواهد شد و شاید آن گونه که باید و شاید، راهگشا نباشد، به سراغشان نمی‌رفتم تا اینکه از طرف شبکه مستند و موسسه شهید اوینی، پیشنهاد ساخت یک مجموعه دربارهٔ ساختارهایی که منجر به فساد می‌شود، داده شد و من نیز با همکاری دوستان «پتان» و قرارگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی و دیگر کسانی که کار کرده بودند، ساخت این مجموعه مستند را آغاز کردم. تحقیق و پژوهش کار از سال گذشته آغاز شد و حدود ۱۰ماه به طول انجامید تا به یک مجموعه سیزده قسمتی به نام «سرطان اجتماع» رسیدیم و نخستین قسمتی که کار کردیم بحث خصوصی‌سازی و مشکلات و معضلات آن بود. ماشین‌سازی تبریز به‌عنوان یک صنعت مادر در پروسه خصوصی‌سازی؛ متأسفانه مورد غفلت قرار گرفت. پرونده ماشین‌سازی، تقریباً به نتایجی رسیده بود و از آنجایی که دانشجویان و فعالان اجتماعی به قضیه ورود کرده بودند، می‌شد به‌عنوان یک گرینه خوب روی آن کار کرد و ما هم کار با همین گزینه را شروع کردیم.

پس مستند خصوصی‌سوزی یک قسمت از مجموعه ۱۳ قسمتی «سرطان اجتماع» است؟

بله، مستند «خصوصی‌سازی» یکی از سیزده قسمتی است که در حال تولید آن هستیم و نخستین رونمایی این قسمت هم در جشنواره عمار بود و از همین جا این نوید را به مخاطب می‌دهم که ان‌شاءالله قسمت‌های بعدی این موضوع نیز ساخته خواهد شد و امیدواریم در اردیبهشت ماه سال آینده به مناسبت سالگرد پیام هشت ماده‌ای رهبری به سران قوا، پخش این مستند از شبکه مستند آغاز شود.

در پایان مستند «خصوصی‌سوزی»، سرانجام مدیریت و واگذاری ماشین‌سازی تبریز برای مخاطب روشن نمی‌شود، دلیل خاصی بر انتخاب چنین پایان بندی وجود داشت؟

همین‌طور است چون واقعاً هنوز این نگرانی‌ها پابرجاست و

مهدی انصاری از «آقای تغییر» می‌گوید:

«او‌باما» بدون روتوش

توانستیم ابعاد مختلف مسئله خودمان را بررسی کنیم، این طولانی بودن هم به‌خاطر حوزه‌های مختلفی بود که باید به آنها می‌پرداختیم چه در عرصه سیاست‌های داخلی «او‌باما» و چه سیاست‌های خارجی او و مسائلی مانند طرح سلامت «او‌باما»، بحران تیراندازی در امریکا، بحران اقتصادی، مذاکرت هسته‌ای، ماجرای «ادوارد اسنودن»، بیداری اسلامی و موارد دیگر که به نظر خودم، تک‌تک اینها، خودشان می‌توانند یک مستند مستقلی شوند و می‌توانم ادعا کنم که پژوهش‌های تولید چند قسمت مستند در این حوزه‌ها را انجام دادیم که آماده تولید هستند. در کنار این تحقیقات، منابع آرشیوی را هم جمع‌آوری و تأمین کردیم.

بعد از این مرحله و رسیدن به یک متن کلی، تقریباً مهر ماه سال گذشته، تدوین کار را صورت گرفت که در ادامه، شروع کردیم

فانور

در رابطه‌ی امام و اُمتی بوده که حل شده است. یعنی یکی از مسئولین به وظیفه‌اش عمل نکرده است و بچه حزب‌اللهی‌ها و نیروهای دغدغه‌مند ورود کرده و با پیگیری‌های رهبری کار به یک سرانجامی رسیده و به‌نوعی حل و فصل شده است.

پرچم عدالت‌خواهی باید در دست این بچه‌های حزب‌اللهی که در این سال‌ها فیلمسازی هم یاد گرفتند یا فعال اجتماعی هستند، قرار گیرد، در مستند «خصوصی‌سوزی»، یکی از کارهایی که ما انجام دادیم و تمّدد داشتیم، این بود که تا جایی که می‌شود از عوامل و اشخاص بومی استفاده کنیم و دیدیم، این ماجرا آن قدر برای فعالان استانی، دغدغه و مسئله بوده که همه مدل، پای کار آمدند.

به نظر تان سیر ساخت مستند عدالت خواهانه چگونه باید باشد تا شاهد تأثیرگذاری بیش از پیش آن‌ها باشیم؟

مستندسازی دربارهٔ مفاسد اقتصادی یعنی مِچ انداختن و رو در رو شدن با مفاسد یقه سفیدها، آنها با چهار تا لات و اوپاش فرق دارند، آنها پول دارند، و کیل می‌گیرند و ارتباط دارند، مستندساز باید در این زمینه، مسائل حقوقی کار را هم در نظر بگیرد، مثلاً یکی از بچه‌ها فیلمی ساخته بود درباره یکی از مفسدینی که بعداً هم زندان رفت، آن فرد هم وکیل گرفته بود ۱۰۰ مورد اتهامی برای ایشان زده بود، ۲۰۰–۳۰۰صفحه پرونده درست کرده بود، فکر کنم ۹۷مورد رد شد و برای دو سه مورد کیفرخواست صادر شد که باید در دادگاه برود و جواب بدهد، منظورم این است که باید حرفه‌ای کار کرد تا بهانه دست مفاسد داده نشود.



محمد تقفی متولد سال ۱۳۶۴ است. او پس از دریافت مدرک کارشناسی سینما و کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، از ۱۰سال پیش، تدوین را به‌صورت حرفه‌ای شروع کرده است و تدوین آثار مستند و داستانی کوتاه و بلند مانند «روایت سیل» و «فرزند کوهستان» را در رزومه کاری خود دارد. تقفی، امسال با مستند «خودکار» در بخش «همت مؤمنانه» دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار حاضر است.

ایده ساخت مستند «خودکار» از کجا به ذهن شما رسید؟

امکان ندارد که هیچ ایرانی‌ای پیدا بشود که بگوید من حتی یک‌بار هم خودکار «بیک» را دستم نگرفتم! در واقع، خودکار «بیک» تبدیل به حافظهٔ جمعی کل ایرانی‌ها شده است. از دورهٔ جوانی در ذهنم بود که این خودکار «بیک» کجا تولید می‌شود؟ جریان و داستانش چیست؟ چرا الآن، دیگر در بازار نیست؟ سال ۹۶ متوجه شدم که «علی اکبر رفوگران»، اولین تولیدکنندهٔ خودکار «بیک» در ایران، در قید حیات است. آقای رفوگران علاوه بر خودکار «بیک»، مداد «سوسمار» را هم برای اولین بار در ایران تولید کرده است که تولیدش چیز ساده‌ای نبوده، برای همین پدر نوشت‌افزار ایران لقب گرفته است. وقتی که با ایشان آشنا شدم، دیدم که نه تنها زندگی‌اش پتانسیل دراماتیک خیلی قوی دارد، بلکه در حوزهٔ کار آفرینی که واقعاً دغدغه‌ام بوده و هست، هم اهمیت دارد. روی این مسئله خیلی تأکید دارم که آقای رفوگران نماد یک تولیدگر ایرانی است که تحت هر شرایطی دست از تولید برنداشته است. ایشان دو پادشاه پهلوی، کودتا، انقلاب، جنگ تحمیلی، تحریم و مشکلات اقتصادی را با تمام وجودش لمس کرده و پشت سر گذاشته است. اما کارخانهٔ ایشان، جز یک مقطع کوتاهی، چرخش، از چرخیدن ناپستاده است. ایشان از اواخر دههٔ ۷۰ هم تولید عطر بیک را در ایران شروع کرده که

گفت‌وگو با محمد تقفی، کارگردان مستند «خودکار»

یک پرتره «امیدبخش»

همچنان فعال است. ما مستندسازها هم شاخک‌هایمان تیز است برای چنین سوز‌های نزدیک یک سال طول کشید تا بالاخره توانستم با ایشان دیدار کنم. پاییز ۹۷ این کار را شروع کردم و بهار امسال هم تمام شد.

روند کار؟

مستند «پرت‌ره» از بیرون، جزو مستندهای راحت لقب گرفته است؛ ولی چند معضل مهم دارد که من با تمام آن معضل‌هایش در این کار مواجه بودم. اولین معضل این که باید سوز را راضی کنی تا جلوی دوربین شما بیاید. آقای رفوگران شخصی بسیار فروتن بود که اصلاً حاضر نبود بیاید جلوی دوربین تا اسمی از ایشان برده نشود. چند ماه پیگیری و ممارست می‌خواست تا این اتفاق بیفتد. دومین بحث، در این نوع مستندها، جمع‌آوری آرشیو است. یک معضل بسیار مهمی که ما در سینمای مستند ایران داریم، این است که با آرشیو وجود دارد و ما به آن دسترسی نداریم، یا اینکه اصلاً آرشیوی وجود ندارد، به‌خصوص از دههٔ ۴۰ و ۵۰ در حوزه‌های مختلف.

پس آرشیوهای مربوط تاریخچهٔ نوشت‌افزار در ایران را چه‌طور به دست آوردید؟

این مستند به‌لحاظ ساختاری، فرمش از سه بخش تشکیل شده: صاحب‌های ما با آقای رفوگران و بعد، بخش‌های آرشیو و انیمیشن. در واقع، ما خاطرات ایشان را به‌صورت انیمیشن تدویمی بازسازی کردیم. نریتور کار هم استاد نصرالله مدقالچی هستند.

برای بخش مهمی از آرشیو هم از تولیدات خلّهٔ مستند انقلاب اسلامی استفاده کردم. اما این که قطعاً ایده‌آل من باشد، نه این‌طور نشد. نهایتاً هم به خیلی از چیزهایی که دوست داشتم، نتوانستم دسترسی پیدا کنم، مثل آرشیو صدوسیما یا فیلم‌خانهٔ ملی.

با توجه به ظرفیت دراماتیک زندگی آقای «رفوگران»، چرا به سمت کار داستانی نرفتید؟

یکی از علایق اصلی من، فیلم داستانی است. همین علاقهٔ من به روایت و داستان هم باعث می‌شود که موقع ساخت مستند هم، سراغ سوزهایی بروم که بشود در آن داستان پردازی کرد. وقتی که از جریانات زندگی آقای رفوگران مطلع شدم، فهمیدم زندگی دراماتیک‌ی داشته است. به این دلیل که تحت هر شرایط اقتصادی، سیاسی و بحرانی سعی کرده است جلو برود و در جا نزند؛ به عقب برنگردد و تولیدکنندهٔ باقی بماند. این باعث شد که من هم سعی کنم تا جایی که امکان دارد در مستند هم، همان فرار و فودهای داستانی را داشته باشم. این که چرا به سمت کار داستانی نرفتم، قطعاً به‌خاطر این است که تأمین سرمایهٔ فیلم داستانی، خیلی سخت‌تر است؛ ولی واقعا اگر روزی چنین فضایی فراهم شود، با کمال میل، این کار را می‌کنم. چون ساخت این مستند باعث شد که با ایشان حشر و نشر داشته باشم و تمام زندگی‌اش را زیر و بر کنم.

سخن پایانی؟

من چند سوز دیگر شبیه به آقای رفوگران را شناسایی کرده‌ام که در حال مذاکرات ابتدایی و مراحل ابتدایی تحقیق هستم. زندگی چنین افرادی اساساً یک تفاوت دراماتیک و جذاب با بقیه دارد و دیگران دوست دارند آن را ببینند و از دیدن آن، هم لذت ببرند و هم انرژی و امید بگیرند. برای خودم که جذاب بوده است.

محمدحسن یادگاری از «باشگاه شهرت» می‌گوید:

«سلبریتی»، باید مدیریت شود

چهره‌های معتبر و جهانی هستند و از طرفی، هم حاشیه‌های کمتری دارد و راحت‌تر می‌توانیم قصه خودمان را در این قالب بگوییم، مخاطب هم بهتر ارتباط می‌گیرد و هم نمونه‌ها، معتبر و جهانی است. اگر می‌خواستم با توجه به نمونه‌های داخلی، کار را تولید کنم اول، باید معلوم می‌کردم که مثلاً این شخص، چه‌ره است یا نه، همچنین محدودیت‌های نمایشی مثل حجاب، پوشش، مطرح کردن اتهامات و جرم‌های را هم اگر می‌خواستم بیاورم، حاشیه‌ساز می‌شد ولی با این قلق‌گیری و روشی که استفاده شد، سعی کردم مفاهیم خودمان را به‌صورت تأثیرگذار بیان کنیم و فیلم هم کمترین آسیب ببیند.

درباره جریان ساخت مستند هم توضیح می‌دهید؟

این کار، یک مستند آرشیوی است. در چنین کارهایی، پژوهش، خیلی مهم است، این نوع مستندها، نزدیک‌ترین نوع مستند به کار پژوهشی مکتوب است اگر بخواهی کتاب یا مقاله علمی بنویسی، نزدیک‌ترین مدل مستندسازی به آن، مستند آرشیوی است. نکته دوم هم این است که ما هم‌زمان با مسائلی که نیاز می‌شد، آرشیو تهیه می‌کردیم البته موضوع کار، به‌نوعی است که آرشیو محدودی درباره آن وجود دارد. بعد از این کارها، به متن و سناریوی کار رسیدیم که چهار-پنج بار بازبینی شد و در نهایت، مستند هم پس از دو بار تدوین، در شهر یور امسال، یعنی در یک بازه زمانی شش ماهه جمع شد. اولین پخش و نمایش مستند هم در جشنواره عمار بود، اگر تلویزیون بخواهد پخش کند، سانسور زیادی می‌کند.

به‌نظر خودتان، مواجهه جامعه با پدیده سلبریتی، چطور باید باشد؟

هر پدیده‌ای در حوزه فرهنگ مثل کپی‌رایت در سینما، فروش فیلم‌ها یا مفاهیمی که در سریال‌های تلویزیونی استفاده می‌شود، اینها را لزوماً نمی‌شود گفت که حتماً باید قواعدوقوانین سفت‌وسختی درباره‌شان داشه باشیم بلکه چارچوب بندی و برنامه‌ریزی درست نسبت به پدیده‌های فرهنگی لازم است. پدیده شهرت و سلبریتی هم به همین ترتیب است، اینها یک‌سری پدیده‌های فرهنگی است که نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت دارد. به همین دلیل هم نکته اصلی من هم در فیلم، این است که مسئله سلبریتی، باید کنترل و مدیریت شود چه در فضای مجازی، فضای واقعی و... قانون یا قوای نظامی می‌تواند کمک‌کننده باشد ولی مهم‌تر از همه اینها، مسئله مدیریت فرهنگی است. یک نکته دیگر هم که درباره سلبریتی‌ها می‌خواستم به صورت جدی، درباره‌اش حرف دقیقی بزنم این است که مثلاً می‌بینید یک آدمی با هر سطح سواد و نادانی، در شبکه‌های اجتماعی، هوادار زیادی پیدا می‌کند، به‌نظرم این مسئله تا حدی در مستند اتفاق افتاده است و ما نتوانستیم این سلبریتی‌نماهای شبکه‌های اجتماعی را با یک قاعده درست نقد کنیم.

چه چارچوبی؟

چیزی که به آن رسیدیم، این بود که مفاهیم شهرت و سلبریتی، در واقع، مفاهیمی بومی و مختص ایران هستند و این موضوع در فیلم هم نشان داده شده است. اما در مرحله تولید، به‌دلیل هزینه‌ها و حواشی که می‌توانست درست کند، ترجیح دادم این مفاهیم را روی نمونه‌های خارجی هالیوودی بنذارم که

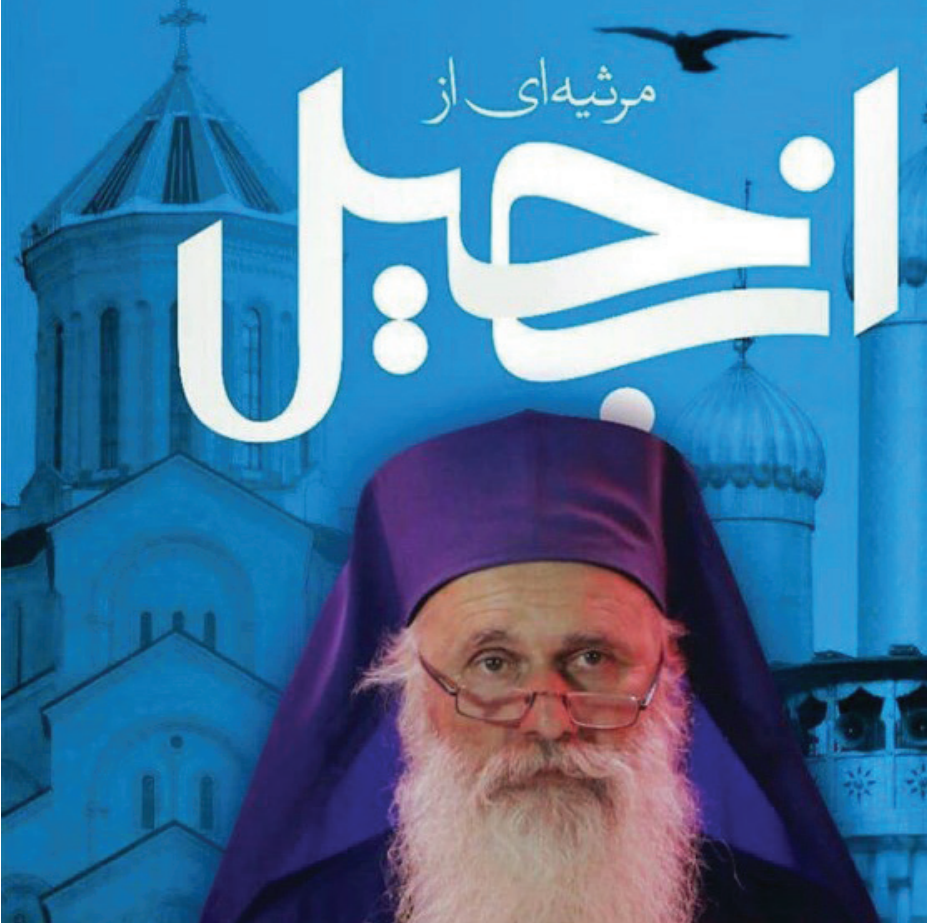
گفت‌وگو با کارگردان مستند «مرثیه‌ای از انجیل»

اسقف گر جستانی به دنبال «ذبیح شط فرات»

«مرثیه‌ای از انجیل»؛ مستندی یک ساعته به کارگردانی محمدهادی نعمتی اسست که در بخش «مقاومت جهانی» جشنواره مردمی فیلم عمار شرکت کرده است. این مستند، ماجرای کشیشی گرجستانی را روایت می‌کند که همراه با شیعیان دنیا و با پای پیاده خود را به کر بلا می‌رساند تا در اربعین سیدالشهدا(ع) حضور داشته باشد. دربارهٔ این اثر، با نعمتی، گپ وگفتی داشتیم که می‌خوانید.

در ابتدا بفرمایید که چطور با این سوره، از تباط گرقتید و برای ساخت مستندی با محوریت او اقدام کردید؟

من، حدود سه- چهار سال پیش، با گروهی از شیعیان گرجستان آشنا شدم و بعد از این ماجرا، سفری به نقلیس داشتم تا درباره آنها، مستندی بسازم. در آنجا، به «اسقف مالخاز»، کشیشی که سوره مستند است، برخورددم. طی یکی-دو سالی که با او در ارتباط



گفت‌وگو با کارگردان مستند «توان دفاعی»؛

ورود به مستندسازی استراتژیک

«توان دفاعی» عنوان مستندی به کارگردانی علی طادی است که به ماجرای ساخت ناوشکن «جماران» توسط نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این مستند که حاصل تلاش ۳سالهٔ طادی و تیمش در تحقیق، پژوهش و تولید است سعی دارد توانمندی کشور در تجهیزات مدرن و پیشرفته نظامی را که خیلی‌ها فکرش را هم نمی‌کردند، به نمایش بگذارد.

چه شد که بعد از این همه سالال به سراغ ناوشکن جماران رفتید؟

در کشور ما در زمینه دفاعی کارهای بزرگی انجام می‌شود اما گزارش آن‌ها در حد یک رپورتاژ خبری پخش می‌شود، مثلاً خبر می‌رسد که موشک شهاب ۲ پرتاب شد اما فرقی با شهاب ۱ چیست؟ چه زحماتی برای آن کشیده شده است؟ هیچ‌کس خبردار نمی‌شود و این هم به دلیل ضعف در پیوست هنری و رسانه‌ای یک کار بزرگ است، در مقابل می‌بینیم امریکا فشنگ هم که می‌سازد در رونمایی از آن، مستندش هم رونمایی می‌شود و همان مستند را عده زیادی می‌بینند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این مثال از باب اغراق نیست بلکه واقعیتی است که خودم دیدم. این که چرا ما به سراغ ناوشکن جماران رفتیم، مظلومیت این ناوشکن بود و حقیقتاً از جهت فنی و مهندسی، کار بزرگی در کشور صورت گرفته بود که مورد غفلت رسانه‌ای واقع شد و در حد چند خبر در رسانه‌ها منعکس شد و هیچ‌گاه در مورد این که با چه مشکلاتی ساخته شد، صحبتی به میان نیامد.

برایش کار رسانه‌ای نمی‌کنیم. این خیلی طبیعی است که مردم پس از ۴۰سال گذر از انقلاب، این‌گونه که باید و شاید دستاوردهای انقلاب را درک نمی‌کنند. دلپیش هم این است که کار رسانه‌ای به صورت حرفه‌ای صورت نمی‌گیرد و ما هم بر اساس دغدغه و علاقه به سمت این پروژه رفتیم و این نکته را هم بگویم که ناوشکن جماران تنها دستاوردی از نیروهای مسلح بود که رهبری شخصا برای

رونمایی از آن رفتند؛ چرا که ابعاد پروژه بسیار بزرگ‌تر از پروژه‌های مشابه بود.

چه مدت در گیر ساخت مستند بودید؟
ابتدا این را بگویم که تعامل با نهادهای نظامی و امنیتی، کاری نسبتاً دشوار است. ما تقریباً سال ۹۵ کار پژوهش را به همراه یک تیم ۴نفره آغاز کردیم و حدود یک سال و نیم، به‌صورت جدی، در گیر امر پژوهش بودیم و یک سالی هم وقت برای تولید صرف شد که در این یک سال، فاصله‌هایی هم میان کار به سبب هماهنگی‌ها افتاد.

به نظر تان پروژه ساخت ناوشکن جماران تا چه میزان بار دراماتیک داشت و مستند در این مسئله، چطور بوده است؟

الحمدلله آثارِی که تولید کردیم را هر کسی دیده گفته که سوره‌ها پتانسیل کار بیشتر از این‌ها را دارد و ناگفته نماند که این سوره‌ها همچنان پا بر جا هستند و دوستان می‌توانند کار را ادامه دهند. در مورد همین ناوشکن «جماران»، دو مستند قبلاً ساخته شده بود ولی در آن‌ها هیچ‌یک از وجوهی که ما پرداختیم، بررسی نشده است. ما در بخش پژوهش، قبل از این که اصلاً بخواهیم سمت سوره و تولید برویم حسرت این را می‌خوردیم که چرا چنین کار بزرگی، به این شکل، باید مورد غفلت رسانه‌ای قرار بگیرد.

یکی از پتانسیل‌های کار مستند این است که چراغ قوه را به سمت جاهایی که نور نیست، می‌اندازد. حالا یکی میگوید چراغ قوه و نسوری که انداختید ضعیف بسوده ولی متوجه می‌شویم که نگاه‌ها به سمتش رفته و به‌نظم مستند «توان دفاعی» یکی از کارکردهایش این است که خیلی از افرادی که آن را می‌بینند می‌گویند که چقدر درام کار بالاست.

چه میزان با شما همکاری شد و در این مسیر چه سختی‌هایی را خودتان متحمل شدید؟
ما از زمان شروع پروژه با ارتش هماهنگ نبودیم و و فیلم‌هایمان از ساخت ناوشکن همان‌هایی بود که ارتش به ما داد و به‌نظم فیلم‌هایشان در حد همان گزارشی بود که برای فرماندهی و با ثبت وقایع تهیه می‌کردند. در نقطه مقابل اگر مستندهای خارجی را نگاه کنید، از پروژه و

پیدا می‌کردم ولی با توجه به اینکه، موضوع این مستند، خیلی، برای من مهم بود و می‌خواستم بخش‌به‌بخش مستند به‌خوبی برای مخاطب جا بیفتد، کار را جدی و حرفه‌ای پیش بردم. در عراق، یکی از بهترین مدیر تولیدها را هماهنگ کرده بودیم، تصویربردار کار هم عراقی بود و مترجم هم در کنارمان داشتیم. یعنی ساخت این اثر، یک کار تمام حرفه‌ای بود، اگر دقت کنید موسیقی‌کا هم ساخت خودمان است.

ظاهراً مستند، از شبکه سه هم پخش شده است، باز خوردی داشتید؟

بازخوردهایی که از این شبکه گرفتم، خیلی خوب بود ولی از آن مهم‌تر، پخش مستند از شبکه‌های «پرس تی‌وی»، «هیسپان تی‌وی» و «العالَم» بود یعنی کار به سه زبان عربی، انگلیسی و اسپانیولی نمایش داده شد. بازخوردهایی که این پخش‌ها داشت، به‌شدت زیاد بود. حتی آقای منوچهر هادی، از کارگردان‌های مطرح کشور هم، پستی درباره این مستند گذاشته بود که اگر نظرات زیر آن را ببینید انگار یک دعوایی است بین مخاطبان مستند، بعضی‌ها کار را رد کردند، برخی‌ها هم موافق مستند بودند و از آن دفاع کردند.

در ساخت این مستند، خود سوره و شخصیت برایتان اولویت داشت یا مسئله اصلی، پیوند ادیان الهی بود؟

من از سال ۹۲ یا یک پختی با عنوان امام حسین(ع) در اندیشه مسیحیت آشنا شدم. یک نویسنده مسیحی عرب‌زبان به‌نام «انتوان بارا» هم کتابی به همین اسم نوشته است. من به واسطه این کتاب، شروع کردم به تحقیقات درباه اینکه آیا واقعاً به امام حسین(ع) در فرهنگ و اندیشه مسیحیت پرداخته شده است یا نه. در جریان این تحقیقات و از طریق ایالت‌ها جوانان با گروهی آشنا شدم که ۱۵سال درباره کتاب مقدس کار کردند و فکت‌ها و بشارت‌هایی را که این کتاب درباره پیامبر آخرالزمان و اهل بیت او داده است، مشخص کردند. در کتاب مقدس، چه عهد جدید و چه عهد قدیم، فکت‌ها و موارد بسیاری درباره پیامبر(ع) و اهل بیتش موجود است. البته خود سوره کشیش هم برای من مهم بود اما در اصل می‌خواستم حرف خودمان را از زبان یک چهره مسیحی به دیگران برسانیم.

به‌نظر تان با توجه به ظرفیت بزرگ اربعین، پرداخت رسانه‌ای مناسب بوده است؟

به‌نظم خود همین مسئله امام حسین(ع) در اندیشه مسیحیت، می‌تواند یک شبکه تلویزیونی باشد که هر روز برنامه دارد. این قدر در کتاب مقدس، مسائل مختلفی درباره پیامبر(ص) و اهل بیت مطرح شده است و در کنارش، آن‌قدر موضوعات و موارد مختلفی درباره امام حسین(ع) داریم که شاید باور تان نشود؛ مثلاً در کشور آلبانی، مراسمی درباره امام حسین(ع) بر گزار می‌شود، در مورد تمام اینها می‌شود کار کرد ولی بضاعت ما در حد همین مستند بود. اگر جایی باشد که پای کار بیاید و حمایت کند، قول می‌دهم که بیشتر از چند ده مستند و سوره خوب از دل این موضوع، بیرون بیاید.

در انتها، درباره جشنواره عمار هم اگر نکته‌ای دارید، بفرمایید؟

من کار مستندسازی را هم‌زمان با راه افتادن «عمار» شروع کردم، الان خیلی خوشحال هستم و جزو آرزوهایم بود که کارم به بخش مسابقه جشنواره عمار راه پیدا کند، البته این کار را در برخی جشنواره‌های بین المللی هم شرکت دادیم و به واسطه نوع محتوایی که دارد، انتظار جایزه هم داریم ولی شیرین‌ترین اتفاقی که می‌توانست برای من اتفاق بیفتد، حضور در بخش مسابقه «عمار» است و خدا را هم شکر می‌کنم که در این مرحله هستم.

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

گفت‌وگو با علیرضا باغشنی، کارگردان مستند «شیرینی شام»

کلایه حاج قاسم از مستندسازان جبهه مقاومت

شیرینی لمس شیرینی مقاومت است و من به دنبال این بودم تا نشان دهم این کیکِی که در حرم حضرت زینب(س) ساخته می‌شود با آن کیکِی که در دیگر اماکن متبر که یا به مناسبت اعیاد پخته می‌شود، متفاوت است و این کیک به نمادی برای شیرینی مقاومت تبدیل شد.

درباره لزوم پیوست رسانه‌ای برای فعالیت‌های جبهه مقاومت را تحلیل تان را می‌گویید؟

هر حساسه‌ای که اتفاق می‌افتد، در درون خود داستان‌های بسیاری دارد که از هر داستان، مفاهیم متعددی می‌توان برداشت کرد، در جریان جبهه مقاومت، مفاهیم بسیاری نهفته است از سلحشوری و منوئیت گرفته تا محبت و عرض ارادت به خاندان آل …!، اگر همکاری‌های لازم چه در زمینه حضور مستندسازان در مناطق و چه در زمینه در اختیار قرار دادن راش‌ها و تصاویری که گرفته شده به‌طور حتم مستندهای اثرگذار در زمینه‌های مختلف ساخته خواهد شد.

به‌طورمثال در همین قضیه پخت کیک با یک مستندساز مشورت شده خروجی کار آن شده که می‌بینید و عرض این است که در چنین موقعیت‌هایی مستندساز سعی می‌کند بهترین بهره را از موقعیت‌برد، آقای وحیدجلیلی، جمله خوبی دارد که کار فرهنگی که پیوست رسانه‌ای نداشته باشد گویی که انجام‌نشده‌است و در حوزه مقاومت‌نیز همین گونه‌است، عملیاتی که انجام می‌شوداگر پیوست رسانه‌ای نداشته باشد گویی که انجام‌نشده‌است و یک‌زمان من می‌گفتم باهر گردان یک مستندساز باید حضور داشته باشد، همان کاری که جبهه مخالف در حال انجام آن است؛ چرا که باید رسانه و سلاح رسانه در این میدان جدی گرفته شود.

آسیب شناسی تان از مستندهای ساخته در حوزه مدافعان حرم در این سال‌ها چیست؟

در جلسه‌ای پیرامون مستندهای مدافعان حرم خدمت آقای وحید جلیلی بودیم که خاطره‌ای از سردار شهید قاسم سلیمانی برایمان نقل کرد که یک روز که خدمت این شهید عزیز بودیم، یکی از دوستان گزارشی درباره مستندهای ساخته شده در رابطه با مدافعان حرم دادند و حاج قاسم گفتند که این مستندها را به دیدام و خیلی هاشان به درد نمی‌خورد؛ چرا که همه‌ی این‌ها فضای تکراری از منطقه نبرد و یا خانواده شهدا ترسیم می‌کنند و فضاها، فضاهای یکسانی است و مستندهایی که دلایل و فلسفه حضور نیروهای مقاومت در منطقه را به تصویر بکشند کم هستند و همین مسئله در ذهن من بود و سعی کردم تا مستند «شیرینی شام» را معطوف به سخن حاج قاسم کنم و به نوعی به دلایل و چرایی حضور نیروهای مقاومت در سوریه و عراق بپردازم و اینکه اگر نبودند این عزیزان چه بلایی گریبانگیر منطقه می‌شد.

جشنواره عمار؟

جشنواره عمار مشوق نسل جدیدی از فیلمسازان بوده که همین تشویق‌ها سبب شده تا این نسل جدید به‌سمت حرفه‌ای شدن بروند و البته یک‌سری نواقص هم وجود دارد که در مقابل نقاط قوت آن، به چشم نمی‌آید.

جشنواره دهمین و همین مسئله سبب شد تا در پیش تولید تمرکز زیادی قرار دهیم.
کار تصویربرداری را هم در پنج روز جمع کردیم که با توجه به زمان کارمان، روزی ۵دقیقه از فیلم تولید می‌شد، هنرمنای که برای کار شد حدود ۴۰ میلیون تومان بود.

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

نکته پایانی؟

در پایان مصاحبه از برادرم آقای مهدی روش که به‌عنوان تهیه‌کننده مشترک در کنار من بود آقای دل‌پیشه نویسنده کار تشکر میکنم و اگر این دوستان و بقیه بچه‌های هنری دو کوهه نبوند مطمئناً این کار به سرانجام نمی‌رسید.

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

عمار

گزارش تصویری

جلسات داوری بخش‌های اختتامیه دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار



هیئت داوران



مجید زین‌العابدین

مدیر شبکه یک‌سیما



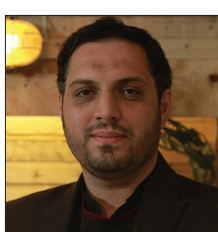
مجید ذرافکن

استاد دانشگاه



محمد مهدی خالقی

نویسنده و مستندساز



مهم‌مرادی بیناباج

مدیر حوزه هنری خراسان رضوی



حسین شاه‌مرادی

منتقد و مدیر انتشارات امیر کبیر



مهدی نصیری

نویسنده، منتقد، فعال فرهنگی



حجت‌الاسلام مجتبی‌نامه‌خواه

نویسنده و پژوهشگر حوزه اجتماعی



حجت‌الاسلام محسن قنبریان

استاد حوزه



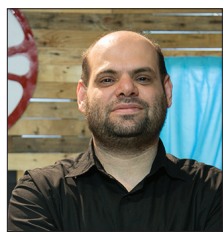
حجت‌الاسلام علی مهدیان

استاد حوزه



حسن عباسی

مدیر اندیشکده یغین



محمد حسن روزی طلب

نویسنده و فعال رسانه‌ای



سیدناصر هاشمی‌زاده

نویسنده و مدرس حوزه سینما



عباس سلیمی‌نمین

مورخ، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران



یعقوب توکلی

مورخ و استاد دانشگاه



موسی حقانی

مورخ، نویسنده و استاد دانشگاه



محمد مهدی سیار

شاعر



محسن یزدی

تهیه‌کننده و قائم مقام شبکه سوم‌سیما



حجت‌الاسلام محمدعلی حیدری

استاد حوزه



پیام تیرانداز

مدیر مسئول خبرگزاری فارس



محمد نیگدل

نویسنده و کارگردان



سید محمد هاشمی

مدیر مرکز فیلم و سریال «عصر»



محمدصادق یاطنی

کارگردان



علی محمد مودب

شاعر



رحیم مخدومی

نویسنده و فعال فرهنگی



محسن صفایی فرد

نویسنده و پژوهشگر



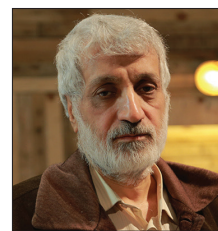
محمد حمزه زاده

رئیس سازمان سینمایی حوزه



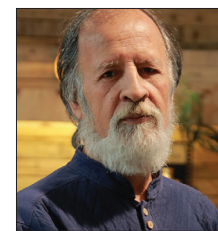
سعید مستفائی

نویسنده و منتقد سینما



ابراهیم فیاض

منتقد و استاد دانشگاه



محمد تقی فهیم

نویسنده و منتقد سینما



محمد حسین نیر و مند

نویسنده



سلیم غفوری

تهیه‌کننده و مدیر شبکه مستند



محسن پورنهایی

فیلم‌ساز و فعال رسانه‌ای



محمد رضا محمدی نجات

تهیه‌کننده و فعال رسانه‌ای



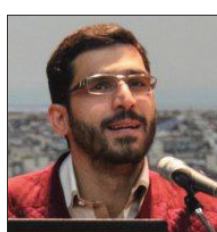
شهاب اسفندیاری

نویسنده و کارگردان



احمد رهدار

استاد حوزه و دانشگاه



محمد مهدی فردحسینی

پژوهشگر حوزه اقتصادی



محمد فدایی

پژوهشگر حوزه اقتصادی



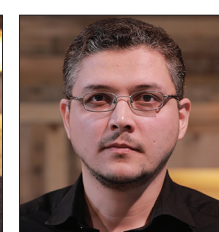
محسن شاکری نژاد

استاد دانشگاه



سید امیر سیاح

پژوهشگر و تهیه‌کننده



سید مجتبی قافله‌باشی

نویسنده و پژوهشگر

مقاومت‌جهانی

روای ایرانی و همت‌مومنانه

تاریخ فرهنگی، اجتماعی و دفاع مقدس

داستانی

حافظه ملی

ملت قهرمان

جنگ نرم

پایش و بالایش اجتماعی